
داستانهایی ازاخلاق و رفتار
امام سجادزین العابدین علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

داستان هایی از اخلاق و رفتار امام سجاد زین العابدین علیه السلام

نویسنده:

علی میرخلف زاده

ناشر چاپی:

نشر محمد و آل محمد (علیهم السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ۵

داستان هایی از اخلاق و رفتار امام سجاد زین العابدین علیه السلام ۷

مشخصات کتاب ۷

مقدمه ۷

کودکی پیاده تا مکه ۱۰

عبادت حضرت علیه السلام ۱۳

دستگیری ۱۵

اندیشه در عظمت خلقت ۱۷

شکر نعمت ۱۹

صفات شیعه ۲۱

عفو و گذشت ۲۳

شخص بد زبان ۲۵

چرا زین العابدین نامیده شد؟ ۲۶

رعایت حق مادر ۲۸

تواضع ۳۰

احترام به داماد ۳۱

همنشینی با زیردستان ۳۲

اثرات دستگیری بر بدن ۳۴

مناجات نیمه شب ۳۶

شیوه ی عیادت از بیمار ۳۸

چشم به دست خدا ۴۰

برخورد با دزد ۴۲

با چه خانواده ای باید ازدواج کرد؟ ۴۴

اجتناب از سخن چینی و غیبت ۴۶

ترساندن حیوان ---------- ۴۸

برخورد با غلامان در آخر ماه رمضان ---------- ۵۰

از شدت عبادت ---------- ۵۴

صدقات ---------- ۵۶

انتقام نگرفت ---------- ۵۹

ارشاد و نشر احکام ---------- ۶۱

برخورد امام سجاد علیه السلام با شتر خود ---------- ۶۴

پاورقی ---------- ۶۷

درباره مرکز ---------- ۷۲

داستان هایی از اخلاق و رفتار امام سجاد زین العابدین علیه السلام

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: داستان هایی از اخلاق و رفتار امام سجاد زین العابدین علیه السلام/علی میر خلف زاده، ۱۳۴۳

مشخصات نشر: قم: انتشارات محمد و آل محمد(ص)، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری: ۸۰ ص.

شابک: ۴۰۰۰ ریال : ۹۶۴۸۰۵۹۲۱۷

یادداشت: کتاب نامه به صورت زیر نویس.

موضوع: علی بن حسین(ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق. -- داستان.

موضوع: داستان های مذهبی -- قرن ۱۴.

رده بندی کنگره: BP۴۳ /م۹د۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۴

شماره کتاب شناسی ملی: ۱۰۹۹۲۱۷

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

شکر خداوندی را سزاست که به ما توفیق عنایت کرد که بتوانم دست به قلم زنم و درود و سلام بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت طاهرینش مخصوصا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

امام سجاد، زین العابدین علیه السلام ششمین معصوم و چهارمین ستاره ی فروزان و پیشوای بشریت و حجت خداوند برای هدایت بندگان است.

امام سجاد علیه السلام فرزند حضرت سیدالشهداء اباعبدالله الحسین علیه السلام است و شهربانو، شاهزاده ی ایرانی است که در روز جمعه یا پنج شنبه پانزدهم جمادی الثانی یا بیست و دوم شعبان سال سی و شش یا سی و هشت هجری (بیست و یک آذر سال سی و پنج، یا شش بهمن سال سی هفت) در شهر مدینه ی منوره چشم به جهان گشود.

اسم شریف آن حضرت علی علیه السلام است و لقبش، سجاد، زین العابدین بکاء، ذوالثفنات، مجتهد، امین، خاشع، عابد، ابن

الخیرتین، زین الصالحین، سید العابدین، سید الساجدین. حضرت زین العابدین علیه السلام سه تا انگشتر به نقش های و ما توفیقی الا بالله – الحمدلله العلی – ان الله بالغ امره و العزه لله داشت و دربان آن حضرت ابوخالد کابلی – ابو جبله – یحیی بن ام طویل بوده است.

امام سجاد علیه السلام در

صحرای کربلا حضور داشته و صحنه ی دلخراش و مصائب سخت پدر و برادر و عمو و ... را متحمل شد و سن شریفشان در آن روز بین بیست و دو تا چهار سال نوشته شد، و نسل شجره ی امامت به توسط آن حضرت تکثیر و منتشر شده است.

امام سجاد علیه السلام بعد از شهادت پدر بزرگوارش حضرت سیدالشهداء علیه السلام

[صفحه ۶]

مبارزات مختلفی علیه حکومت بنی امیه داشت و به شیوه های گوناگونی در فرصت های مناسب در هوشیاری بخشیدن جامعه نسبت به ظلم دستگاه حکومتی از طریق سخنرانی، تشکیل کلاس و جلسات دعا و مناجات و گریه و اظهار مظلومیت و تظلم و تبلیغ و ارشاد خودشان را داشتند، آن حضرت یکی از آن چهار نفر گریه کنندگان عالم است که بعد از جریان دلخراش کربلا، مرتب بر مظلومیت پدر بزرگوارش امام حسین علیه السلام و برادران ... گریه می کرد و جنایات بنی امیه را افشاء می کرد.

امام سجاد علیه السلام دو سال و چند ماه در حیات جدش امیرالمؤمنین علیه السلام و حدود دوازده سال در زمان عمویش امام حسن علیه السلام و بیست و دو یا چهار سال با پدر شهیدش و حدود سی و پنج سال امامت که از روز دهم محرم الحرام سال شصت و یک هجری بعد از شهادت پدر بزرگوارش که در سن بیست و سه یا چهار سالگی رهبری جامعه اسلامی را به عهده داشت که جمعا حدود پنجاه و هفت سال عمر شریفشان بوده و تا دوازده یا بیست و پنج محرم سال نود و چهار یا نود و پنج هجری قمری (بیست و نه مهرماه یا دوازده آبان سال نود یک یا نود و دو)

توسط هشام بن عبدالملک مروان به وسیله ی زهر مسموم و به درجه ی رفیع شهادت نائل گردید و پیکر شریف و مطهر آن حضرت را در قبرستان بقیع در جوار عمویش امام حسن علیه السلام به خاک سپرده شد.

حضرت دو رکعت نماز دارد، که در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه آیهالکرسی یا توحید خوانده شود و بعد از سلام نماز – تسبیحات حضرت زهرا علیهاالسلام گفته شود و بعد حوائج خود را از خداوند منان تقاضا فرمائید.

اوراق به تحریر درآمده قطره ای از اقیانوس بی کران رفتار و اخلاق با کرامت حضرت امام زین العابدین علیه السلام است و آن را برای قبر و قیامت خودم ذخیره می کنم. انشاءالله که مورد عنایت پروردگار متعال گردد و آن را به ساحت مقدس امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف هدیه می کنم و ثواب آن به روح امام راحل و ارواح پاک شهیدان مخصوصا برادر شهیدم آشیخ احمد میر خلف زاده نثار می کنم.

علی میر خلف زاده

[صفحه ۷]

کودکی پیاده تا مکه

ابراهیم ادهم و فتح موصلی، هر یک روایت کرده اند:

من با قافله در صحرا می رفتم، کاری پیش آمد و از قافله جدا گشتم. پس ناگهان با کودکی که در حال راه رفتن بود، برخورد کردم.

گفتم: سبحان الله! صحرایی بی آب و علف و کودکی که در آن راه می رود؟!

پس به کودک نزدیک شدم و به او سلام دادم. کودک جواب سلامم را گفت.

پرسیدم: کجا می روی؟

گفت: به خانه ی خدا.

گفتم: عزیزم، تو کوچکی و رفتن به خانه ی خدا نه بر تو واجب است و نه از سنت است.

[صفحه ۸]

فرمود: ای پیرمرد! هنوز کوچکتر از مرا ندیده ای که بمیرد؟!

گفتم: آذوقه و مرکوبت

(حیوان سواریت) کو؟

فرمود: آذوقه ام تقوا است و مرکوبم پاهایم و مقصدم مولایم می باشد.

گفتم: غذایی همراه تو نمی بینم؟

فرمود: پیرمرد! آیا نیکوست که کسی تو را به مهمانی فراخواند و تو از خانه ات با خود غذا ببری؟

گفتم: نه.

فرمود: کسی که مرا به خانه اش فراخوانده، خودش سیر و سیرابم می کند.

گفتم: بیا سوار شو تا از حج باز نمانی.

فرمود: وظیفه ی من کوشش است و رساندنم به مقصد اوست. مگر این سخن خداوند را نشنیده ای که فرمود:

«والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین» . [۱].

راوی گوید: در همین حال و هوا بودیم که ناگهان جوان نیکو چهره ای با جامه ی سپید و زیبایی نمایان شد و با آن کودک

[صفحه ۹]

معانقه کرد و بر او درود فرستاد.

من به سوی جوان پیش رفتم و به او گفتم: تو را به خدایی که زیبایت آفرید سوگند که، این کودک کیست؟

گفت: او را نمی شناسی؟! او علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام است.

پس جوان را رها کردم و سراغ کودک رفتم و گفتم: تو را به پدرانت سوگند که این جوان کیست؟

فرمود: او را نمی شناسی؟!

گفتم: نه.

فرمود: او برادرم خضر است که هر سال نزد ما می آید و بر ما درود می فرستد.

گفتم: تو را به حق پدرانت سوگند آیا به ما نمی گویی که چگونه بی توشه و آذوقه در این بیابان راه می روی؟

فرمود: من با توشه این صحرا را در می نوردم و توشه ام چهار چیز است.

گفتم: آنها کدام است؟

فرمود: دنیا را با این همه گستردگی، مملکت خداوند می دانم و تمام مخلوقات را بندگان و عیال او و اسباب و ارزاق

[صفحه ۱۰]

را

به دست خدا می دانم و قضای او را در زمین جاری و نافذ می بینم.

عرض کردم: چه خوب توشه ای داری، ای زین العابدین! تو با این توشه از کوره راههای آخرت عبور می کنی، پس معلوم است که می توانی از کوره راههای دنیوی هم عبور کنی.

ای چشم و چراغ عارفان ادرکنی

وی مشعل بزم عاشقان ادرکنی

ای روح نیایش، ای امام سجاد

گل بوی بهار باغ جان ادرکنی

[صفحه ۱۱]

عبادت حضرت علیه السلام

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: خصلتهای پدرم حضرت زین العابدین علیه السلام زیاد است منجمله:

در هر شبانه روز مثل جدش امیرالمؤمنین علی علیه السلام هزار رکعت نماز می خواند و پانصد درخت خرما داشت و کنار هر درختی دو رکعت نماز می خواند.

وقتی آماده ی نماز می شد، رنگ چهره اش دگرگون می شد و وقت ایستادن به نماز، مثل عبدی ذلیل و متواضع که در برابر پادشاهی جلیل و عظیم قرار گرفته و تمام اعضاء بدنش از ترس و خوف الهی می لرزید. نمازش مثل کسی بود که در حال وداع و آخرین دیدار با خداوندش است.

وقت نماز به هیچ کسی و هیچ طرفی توجه نداشت و تمام

[صفحه ۱۲]

توجهش به خدای مهربان بود به طوری که گاهی عبایش از روی شانه اش می افتاد، اهمیتی نمی داد. و به آن حضرت می گفتند: می فرمود: «مگر نمی دانید مقابل چه قدرتی ایستاده ام و با چه کسی صحبت می کنم؟!»

می گفتند: پس وای به حال ما بیچاره ها با این نماز هایمان. حضرت می فرمودند: نافله بخوانید که نمازهای نافله جبران همه ی ضعفهای شما را می کند. [۳].

حجت داور، علی بن الحسین

شافع محشر، علی بن الحسین

حضرت سجاد، زین العابدین

سبط پیغمبر، علی بن الحسین

شمع محراب

عبودیت بود

زینت منبر، علی بن الحسین

عارفان را در طریق عشق هست

ماه خوش منظر، علی بن الحسین

بعد ثارالله، بر اهل ولاست

سید و سرور، علی بن الحسین [۳].

[صفحه ۱۳]

دستگیری

حضرت سجاد علیه السلام شب های تاریک صورت خودشان را می پوشانیدند و کیسه های آرد و خرما و پول به پشت خودشان حمل می کردند و آنها را بین فقراء و نیازمندان توزیع و تقسیم می کردند و وقتی که حضرت وفات کردند، تازه مردم متوجه شدند که او امام زین العابدین علیه السلام بوده است.

امام سجاد علیه السلام سرپرستی بیش از صد خانوار مستضعف و بی بضاعت را بر عهده داشت و به آنها کمک می کرد.

امام سجاد علیه السلام همیشه سعی داشت که در کنار سفره اش یتیمان و تهیدستان و درماندگان بنشیند، و آنهائی که معلول و مفلوج بودند حضرت با دست مبارکشان برای آنها لقمه می گرفت و دهانشان می گذاشت، و اگر عائله مند بودند مقداری هم برای خانواده هایشان غذا می فرستاد. [۴].

[صفحه ۱۴]

یکی از اصحاب امام زین العابدین می گوید:

در یکی از شبهای سرد و بارانی حضرت را دیدم که مقداری آرد بر پشت خود حمل کرده و به سمتی در حال حرکت است. جلو آمدم و گفتم: یابن رسول الله! این ها چیست؟ و کجا می روید؟

حضرت فرمود: سفری در پیش دارم و آن زاد و توشه است که نیاز مبرم راهم می باشد.

عرض کردم: آقا جان! اجازه بفرمائید تا پیش خدمتم را بفرستم شما را کمک کند.

آقا قبول نفرمود.

گفتم آقا جان! اجازه دهید پس من هیزم ها را کمک شما حمل کنم؟

امام فرمود: نه این وظیفه ی خودم است و باید خودم تنها آنها را به مقصد برسانم و به دست

مستحقینش برسانم، و گرنه برایم سودی ندارد. و تو را به خدا قسمت می دهم بر گرد و مرا به حال خودم بگذار.

بعد از چند روز حضرت را دیدم گفتم: یابن رسول الله! شما که فرمودید سفری در پیش دارم پس چه شد.

[صفحه ۱۵]

حضرت فرمود: بله، سفری در پیش دارم، ولی نه آنچه تو فکر می کنی؟ بلکه منظورم سفر مرگ و قبر و قیامت است که باید خود را برای آن مهیا کنم.

هر کس خودش را در مسیر سفر آخرت ببیند، باید از حرام و کارهای خلاف دوری کند و همیشه سعی کند به دیگران کمک کند. [۵].

ای آنکه فروغ چشم احباب تویی

در بحر کرامت دُر نایاب تویی

بگرفت شکوه منبر از خطبه ی تو

ای روح دعا، زینت محراب تویی [۶].

[صفحه ۱۶]

اندیشه در عظمت خلقت

امام سجاد علیه السلام شبی از بستر خواب برخاست، تا نماز شب بخواند، هنگامی که وضو می گرفت، چشمش به آسمان افتاد، همچنان به ستارگان نگاه کرد، و با حالتی خاص به ستارگان درخشان می نگریست و غرق در فکر شده و مبهوت مانده بود تا سپیده سحر دمیده و هنوز دست امام سجاد علیه السلام در ظرف آب بود که صدای مؤذن را شنید که اذان می گوید. [۱۳].

اندیشه ی آن حضرت در آفرینش ستارگان و آفریدگار آنها بود و در حقیقت سیمای خدا را در آینه ی ستارگان آسمان می دید. [۸] [۹].

[صفحه ۱۷]

امام سجاد علیه السلام وقتی که نماز صبح را می خواند، در سجاده ی خود می نشست و دعا می خواند تا موقعی که خورشید طلوع کند، و بعد از طلوع خورشید، دو رکعت نماز برای سلامتی خود و افراد خانواده اش می خواند و بعد

مختصری می خوابیـد و وقتی از خواب بیدار می شد، دندانهای خود را مسواک می کرد و بعد از آن مشـغول صـرف صـبحانه می شد. [۱۰].

سعید بن مسیب گفت:

یک روز محضـر مقدس امام سـجاد علیه السلام مشرف شدم در حالی که آن حضرت مشغول خواندن نماز بود، وقتی نمازشان تمام شد، بنده ی خدایی درب خانه را زد.

حضرت فرمود: فقیر و گدا و سائلی است و تقاضای کمک دارد، او را ناامید نکنید و چیزی به او بدهید. [۱۱].

حضـرت سجاد علیه السلام در زمستان لباس خز می خرید و چون تابستان می شد آن را می فروخت و پولش را صدقه می داد. [۱۲].

[صفحه ۱۸]

بلند مرتبه باشد، مقام حضرت سجاد

فراز قله ی نور است، نام حضرت سجاد

زلال عاطفه جاریست، از صحیفه نورش

شکوه عرش، نگر در کلام حضرت سجاد

امیر هر دو جهان است، آنکه گشته به عالم

ز جان، غلام غلام غلام حضرت سجاد

کجاست اسیر هوی و هوس شود، به زمانه

کسی که گام نهد، جای گام حضرت سجاد

مخوان ز جهل، ذلیل و علیل شمس هدی را

که هست، توسن اقبال، رام حضرت سجاد

نسیم شام، رسانده به گوش خلق جهانی

همان خطابه بودی، پیام حضرت سجاد [۱۳].

شکر نعمت

یکی از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام حکایت کرد:

روزی با حضرت امام زین العابدین علیه السلام نزد عبدالملک مروان رفتیم؛ عبدالملک، احترام شایانی به حضرت سجاد علیه السلام کرد و تا چشمش به آثار سجود در صورت و پیشانی مبارک حضرت افتاد، گفت:

ای ابومحمد! خودتان را خیلی به زحمت عبادت انداخته اید، با این که خداوند متعال تمام خوبی ها را به شما عنایت کرده، و شما از نزدیک ترین شخص به رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم

هستید، شما دارای علم و دانش و کمال می باشید که دیگران از چنین درجه ای محروم هستند.

[صفحه ۲۰]

حضرت سجاد علیه السلام فرمود: آنچه از فضل پروردگار و توفیقات الهی برای من گفتی، نیاز به شکر و سپاس گزاری دارد.

پیغمبر خدا صلی الله علیه و اله و سلم با این که گناهی نداشت، آن قدر نماز می خواند که پاهای مبارکش ورم کرده بود و به قدری روزه می گرفت که دهان مبارکشان خشک می شد. باز می فرمود: آیا بنده ی شکرگزار خدا نباشم؟

و من از خداوند متعال ممنون و سپاسگزارم که ما را بر دیگران برتری بخشید و به ما جزای خیر عنایت فرمود، و در دنیا و آخرت حمد و سپاس فقط مخصوص اوست.

به خدا قسم! اگر تمام اعضاء و جوارحم قطعه قطعه شود و در اثر عبادت نفسم قطع شود، یک هزارم شکر یکی از نعمت های خداوند را به جا نیاورده ام. چطور می توان نعمت های الهی را بشمرم؟! چگونه می توان شکر نعمتی از نعمتهایش را انجام دهم.

خدا نکند، پروردگار مرا غافل از شکر نعمتهایش ببیند و اگر عائله ام و دیگر خویشان و سایر مردم حقی بر من نداشتند، به جز عبادت و ستایش و نیایش با خدا، کار دیگری انجام

[صفحه ۲۱]

نمی دادم و حرفی به جز تسبیح و ذکر خدای متعال نمی گفتم تا که نفسم قطع شود.

زهری می گوید: بعد دیدم امام به گریه افتاد و عبدالملک هم گریه اش گرفت و گفت:

چقدر فرق است بین کسی که آخرت را بخواهد و برای آن کوشش و تلاش می کند. بین آن کسی که دینار بخواهد و ترس هم ندارد از کجا و چطور به

دست می آورد. [۱۴].

حق را چو نمونه بنده بودی سجاد

خورشید به دل نشانده بودی سجاد

بعد از گذر حماسه ی عاشورا

والله شهید زنده بودی سجاد [۱۵].

[صفحه ۲۲]

صفات شیعه

یک روز حضرت زین العابدین علیه السلام در منزل نشسته بود، که یک وقت صدای در منزل آمد.

حضرت به کنیزشان فرمود: برو ببین کیست که در می زند؟

وقتی کنیز پشت در خانه آمد و گفت: کیست که در می زند؟

شنید که عده ای می گویند: درب را باز کن، شیعیان شما هستیم.

کنیز آمد و خبر شیعیان را برای حضرت بیان کرد. امام زین العابدین علیه السلام فورا از جای خود بلند شدند و با عجله خود را به درب خانه رساندند و درب منزل را باز کردند ولی همینکه آنها را مشاهده کردند با حالت افسردگی برگشتند و فرمودند:

[صفحه ۲۳]

این ها دروغ می گویند که ما از شیعیان شما هستیم، چون وقار و هیبت اهل ایمان در صورتشان مشاهده نمی شود! و آثار عبادت و پرستش در بدن آنها پیدا نیست!

و همچنین اثرات سجده در پیشگاه حق، روی پیشانی هایشان دیده نمی شود.

شیعیان ما علامت دارند، جسم آنها رنجور و پیشانی آنها بر اثر کثرت سجده و چهره های آنها بر اثر زیادی عبادت در خانه ی خدا نورانیت خاص دارند. [۱۶].

نور ایزد حجت بر حق امام چهارمین

مظهر اسماء حسنی نور رب العالمین

چهارمین حجت بگیتی سر اسرار نهان

کنز مخفی الهی مشرق نور مبین

در عبادت چون رسول الله و در طاعات او

تالی جدش ولی حق امیرالمؤمنین

ناید اندر وصف طاعات و عبادتهای او

آن شهی را کو لقب حق داده زین العابدین

نور یزدان خسرو خوبان علی بن الحسین

اوست زین العابدین و اوست خیر الساجدین

حجت حق وجه حی لا یموت

است آن امام

ناید اندر دهر مثلش در عبودیت چنین [۱۷].

[صفحه ۲۴]

عفو و گذشت

یک روز کنیزکی از کنیزان حضرت علی بن الحسین علیهماالسلام آب به دست آن حضرت جهت وضو می ریخت، بر اثر سهل انگاری و بی توجهی همین طوری که ایستاده بود چرتش گرفت و ظرف آبی که دستش بود افتاد و سر مبارک آن حضرت را شکست.

حضرت سر خود را بلند کرد و نگاهی به کنیزک کرد، کنیزک که خیلی ترسیده بود، از ترس این آیه را خواند: «و الکاظمین الغیظ» ؛ پرهیزگاران خشم خود را فرو می برند. (مقصودش این بود که با یادآوری این آیه ی مبارکه خشم حضرت را فرو نشاند).

[صفحه ۲۵]

امام سجاد علیه السلام فرمود:

«قد کظمت غیظی» ؛ خشمم را فرو نشاندم.

کنیزک که دید تدبیرش مؤثر واقع شده برای بهره برداری بیشتری از این فرصت دنباله آیه را ادامه داد و گفت:

«و العافین عن الناس» ؛ (و صفت دیگر اهل تقوی) کسانی هستند که از مردم گذشت می کنند.

حضرت سجاد علیه السلام فرمود:

«عفی الله عنک» ؛ خداوند متعال از تو بگذرد و تو را عفو کند.

کنیزک گفت:

«و الله یحب المحسنین» ؛ و خداوند متعال انسان های نیکوکار را دوست دارد.

حضرت فرمود:

«اذهبی فانت حره لوجه الله عزوجل» ؛ برو که تو در راه خدا آزاد هستی.

گذشته از اینکه خشم خود را فرو نشانیدند و از تقصیرش گذشت کردند؛ احسان بزرگی در حق او نموده و او را آزاد

[صفحه ۲۶]

کردند. [۱۸].

ای امام چارمین شیعیان

در پناهت هست هر دل در امان

ای گرامی یادگار کربلا

خاطرات آب آزارد تو را

داغ زنجیر بلا بر گردنت

جایگاه حلقه هایش بر تنت

سوختی در آتش تب سوختی

دیده بر چشمان زینب دوختی

ای قلوب عرشیان کاشانه ات

ای که جان فرشیان

پروانه ات

ای تو مهتاب شب و خورشید روز

عالمی از داغ تو در ساز و سوز [۱۹].

[صفحه ۲۷]

شخص بد زبان

یکی از پسر عموهای حضرت زین العابدین علیه السلام بنام حسن بن حسن خدمت حضرت رسید و به آن بزرگوار ناسزا گفت، ولی آن حضرت در جوابش چیزی نفرمود.

موقعی که آن شخص رفت، حضرت سجاد علیه السلام متوجه اهل مجلس شده و فرمود: شنیدید که این مرد به من چه گفت: اکنون دوست دارم تا با هم نزد او رویم و جواب ناسزاهای او را بگویم!

حضار مجلس گفتند: مانعی ندارد. ما هم مایل بودیم که شما جواب او را می دادید.

حضرت نعلین های خود را پوشید و حرکت کرد. پس از حرکت این آیه شریفه را تلاوت می فرمود:

[صفحه ۲۸]

«والکاظمین الغیظ و العافین عن الناس و الله یحب المحسنین» . [۲۰].

راوی می گوید: وقتی که آن حضرت این آیه را تلاوت فرمود، ما فهمیدیم که آن بزرگوار، او را تنبیه نخواهد کرد. همین که نزدیک منزل آن مرد رسیدیم، امام وی را صدا زد و فرمود: بگوئید که علی بن الحسین آمده وقتی که آن شخص دریافت که حضرت زین العابدین علیه السلام آمده، گمان کرد که آن بزرگوار، درصدد انتقام است؛ لذا خود را برای دفاع آماده نمود.

موقعی که چشم امام به وی افتاد، فرمود: ای برادر! تو نزد من آمدی و چنین و چنان گفتی. اگر آن سخنانی را که گفتی درباره ی من صدق کند، از خدا می خواهم که مرا بیامرزد و اگر آنچه که به من نسبت دادی، در وجود من نباشد، خدا تو را بیامرزد.

راوی می گوید: همین که آن شخص، این سخنان را از امام زین العابدین

علیه السلام شنید گریه کنان گفت: به خدا دیگر حرف زشت نمی زنم. دیدگان آن بزرگوار را بوسید و گفت: آنچه که

[صفحه ۲۹]

من درباره ی شما گفتم، در وجود تو نیست بلکه من خودم به گفته هایم سزاوارترم. [۲۱].

حضرت سجاد زین العابدین

حجت بر حق امام چهارمین

ریزه خوار سفره اش جن و ملک

بر کف مشکل گشایش نه فلک

بهترین خلق خدا در روزگار

از رخش آیات رحمت آشکار

سجده او افتخار انبیا است

زهد او زینت فزای اتقیا است

در صداقت نیست کسی همتای او

بوسه گردون میزند بر پای او [۲۲].

[صفحه ۳۰]

چرا زین العابدین نامیده شد؟

روزی حضرت علی بن الحسین علیه السلام مشغول نماز بود، که ناگاه شیطان به صورت یک افعی بسیار هولناکی با چشم های سرخ از درون زمین آشکار شد و خود را به محراب عبادت آن حضرت نزدیک کرد.

ولیکن امام سجاد علیه السلام کمترین حساسیتی در برابر آن موجود وحشتناک نشان نداد و ارتباط خود را با پروردگار متعال قطع نکرد.

افعی دهان خود را نزدیک انگشتان پای آن حضرت آورد و آتشی از دهانش خارج ساخت که بسیار وحشتناک بود، ولی حضرت با آرامش خاطر و خیالی آسوده به نماز خود ادامه می داد و توجهی به آن نداشت.

در همین حال که شیطان با آن حالت وحشتناک مشغول اذیت و آزار بود، ناگهان تیری سوزاننده از سمت آسمان آمد و به آن ملعون اصابت کرد.

همین که تیر به او خورد، فریادی کشید و به همان حالت و شکل اولیه خود بازگشت و کنار امام سجاد علیه السلام ایستاد و اظهار کرد:

شما سید و سرور عبادت کنندگان هستی، و چنین نامی تنها زیبنده و شایسته ی شماست.

و سپس در ادامه کلام خود افزود:

من شیطان هستم و تمام عبادت کنندگان

را از زمان حضرت آدم تاکنون فریب و بازی داده ام و کسی را قوی تر و پارساتر نیافته ام.

و پس از آن شیطان از نزد امام سجاد علیه السلام خارج شد و حضرت بدون آنکه به او توجهی داشته باشد، به نماز و نیایش خود با خدا مشغول بود. [۲۳].

[صفحه ۳۲]

رهبر عالم امام الساجدین

کنز علم اولین و آخرین

حجت بر حق علی بن الحسین

بوالحسن سجاد زین العابدین

بر قضا و قدر فرمانروا

خادم درگاه او روح الامین

گردش افلاک او را محور است

حکمران بر آسمان و بر زمین

صورتش مرآت ذات بی مثال

رأفت و حلمش چو ختم المرسلین

ناامید هرگز نرفت از درگهش

دست حاجت از یسار و از یمین [۲۴].

[صفحه ۳۳]

رعایت حق مادر

حضرت سجاد امام زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام خیلی به مادر خودشان احترام می گذاشت و لحظه ای از خدمت به او و رعایت حقوقش دریغ نمی کردند.

روزی عده ای از اصحاب به آن حضرت گفتند: یابن رسول الله! شما بیش از همه ی ما نسبت به مادرتان خوبی و نیکی می

کنید ولی با این حال یک بار ندیده ایم که با مادرت هم غذا شوی؟

حضرت فرمود: می ترسم سر سفره ای کنار مادرم بنشینم و بخواهم لقمه ای بردارم که او میل به آن را داشته باشد و به همین خاطر سعی می کنم که با او هم غذا نشوم. [۲۵].

[صفحه ۳۴]

ای که در زهد و ورع رتبه ی والا داری

لقب سید سجاد ز یکتا داری

چون که در سجده به در گاه خدا روی کنی

قدسیان را همه انگشت به لب واداری

صاحب حلم رسول اللهی و علم علی

حسن روی حسن و عفت زهرا داری

در شجاعت چو حسین بن علی بی بدلی

آنچه اجداد تو دارند تو تنها داری

موسی از جانب

سینا به عبادت می رفت

تو به محراب دعا سینه ی سینا داری

حکم تسلیم ترا کرد گرفتار خسان

ورنه هم قدرت و هم دست توانا داری [۲۶].

[صفحه ۳۵]

تواضع

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: هر وقت حضرت امام زین العابدین علیه السلام می خواست با عده ای مسافرت برود سعی می کرد با افرادی مسافرت کند که او را نشناسند و شرط می کرد تا در همه ی کارها مثل هم همکاری و خدمت کند.

در یکی از مسافرت هائی که حضرت سجاد علیه السلام با گروهی داشت، در بین راه شخصی آن حضرت را شناخت و به همراهان گفت: آیا او را می شناسید.

گفتند: نه، او را نمی شناسیم، مگر او کیست؟!

آن فرد گفت: او حضرت سجاد علیه السلام، پسر امام حسین علیه السلام است. همراهان آمدند و دست و پای آقا را بوسه زدند و گفتند: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم نزدیک بود با این عملتان ما را جهنمی

[صفحه ۳۶]

کنید و در آتش بسوزانید. اگر جسارتی به شما می کردیم،تا آخر عمر بدبخت و بیچاره می شدیم. ای آقای ما! چرا این گونه با ما رفتار می کنید و به طور ناشناس مسافرت می کنید.

حضرت فرمود: من یک وقتی با گروهی که مرا می شناختند مسافرت کردم و آنها به خاطر رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم بیش از حد به من کمک و خدمت کردند، تصمیم گرفتم که دیگر با آشنا جایی مسافرت نکنم و الان هم ترسیدم که مرا بشناسید و مثل آنها رفتار کنید و من هم نتوانم در کارها با شما مشارکت و کمک کنم. و به خاطر همین خود را

معرفی نکردم. [۲۷].

ای ماه منیر هفت طارم

در چرخ وجود مهر چارم

نور ششم از چهارده نور

روشن ز رخت جهان دیجور

در دیده ی شرع نور عینی

پرورده ی دامن حسینی

شِبل علی و علیست نامت

هم سنگ کلام حق کلامت

ای خون خدای در وجودت

اخلاص تو ظاهر از سجودت

خلقت، به طفیل آبرویت

محراب،بهشت آرزویت [۲۸].

[صفحه ۳۷]

احترام به داماد

حضرت امام جعفرصادق علیه السلام در احوالات امام زین العابدین علیه السلام می فرمود:

هر وقت یکی از دامادهای امام سجاد علیه السلام محضر مقدس ایشان مشرف می شد، حضرت عبایی که بر دوش داشتند از دوش بر می داشتند و روی زمین پهن می کردند تا دامادشان روی آن بنشیند و بعد به آقا دامادشان می فرمودند: خوش آمدی مشرف فرمودی، تو تامین کننده ی هزینه ی خانواده ات هستی و هم نگه دارنده ی ناموست از شر هواهای نفسانی و نامحرمان می باشی. و دامادشان را خیلی تحویل می گرفت. [۲۹].

[صفحه ۳۸]

ماه من روی حق نما دارد

به خدا جلوه ی خدا دارد

هر چه دارند انس و جان از اوست

من چه گویم که او چها دارد

حاکم کشور ولایت اوست

که ولایت به ما سوا دارد

معجزات پیمبران سلف

هر یکی را جدا جدا دارد

این جگرگوشه حسین استی

که به سر تاج انما دارد

سبط پیغمبر است و هم چو علی

دستهای گره گشا دارد

شد رضای خدا رضایت او

که به حکم قضا رضا دارد [۳۰].

[صفحه ۳۹]

همنشینی با زیردستان

چند نفر جذامی (مبتلایان به بیماری جذام) در محلی نشسته بودند و صبحانه می خوردند.

امام سجاد علیه السلام سوار بر الاغش بود و از آنجا عبور می کرد، آنان وقتی که آن حضرت را دیدند، صدا زدند: بفرمائید با ما صبحانه بخورید.

امام سجاد علیه السلام فرمود: اگر روزه نبودم، دعوت شما را می پذیرفتم.

هنگـامی که امـام سـجاد علیه السـلام به خانه اش رفت، روز دیگر دسـتور داد غـذای لذیـذ و گوارا فراهم کردنـد و سـپس آن جذامی ها را به صبحانه دعوت کرد، و خود در کنار آنها نشست

[صفحه ۴۰]

و با هم غذا خوردند. [۳۱].

کعبه ام شد کوی زین العابدین

قبله ام شد روی زین العابدین

روح بخش و جان فزا و دل

رباست

منطق دلجوی زین العابدین

همچو جدش خاتم پیغمبران

بود خلق و خوی زین العابدین

قبله عشاق در محراب عشق

شد خم ابروی زین العابدین

هستیم بادا فدایش زانکه هست

دیده ی دل سوی زین العابدین

بود مانند حسین ابن علی

قدرت بازوی زین العابدین [۳۲].

[صفحه ۴۱]

اثرات دستگیری بر بدن

آقا حضرت امام محمد باقر علیه السلام در احوالات پدر بزرگوارشان حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

وقتی که پدرم به شهادت رسید و خواستم پیکر مطهر آن حضرت را غسل بدهم، یک عده از اصحاب و اهل خانه را کنار پیکر مطهر خواستم.

وقتی بدن مقدس حضرت برهنه شد و آماده ی غسل گردید، همه چشمشان به مواضع سجده ی آن حضرت افتاد، که در اثر سجده های طولانی، پوست های پیشانی و سر زانو و کف پا و کف دست های آن جناب سفت شده و پینه بسته بود، زیرا که آن حضرت در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند و سجده های خیلی طولانی به جا می آورد.

[صفحه ۴۲]

وقتی که به پشت و سر شانه های پدرم چشمشان افتاد، اثراتی مثل جای طناب دیده می شد وقتی که علت را پرسیدند؟!

گفتم: به خدا قسم کسی غیر از من علت آن را نمی داند، اگر پدرم زنده بود، هیچ وقت این سر را نمی گفتم. ولی حالا که شهید شده می گویم.

شب ها که از نیمه می گذشت و اهل و عیال همه خواب می رفتند، پدرم وضو می گرفت و دو رکعت نماز می خواند و بعد هر چه آذوقه در منزل بود جمع می کرد و در کیسه ای می ریخت و آن را روی شانه می گذاشت و از خانه بیرون می آمد و به طرف محله های فقیرنشین می رفت و آن غذاها

را بین بیچاره ها و تهیدست ها تقسیم می کرد.

کسی او را نمی شناخت، فقط می دانستند کسی آمده و بین آنها چیزی عنایت کرده و هر شب منتظر آن حضرت بودند و درب خانه های خودشان را باز می گذاشتند تا سهمیه های شان را مقابل خانه هایشان بگذارد و این برآمدگی و کبودی هایی که بر سر شانه و پشت پدرم می بینید، همه اثرات همان محموله هایی است که برای فقرا و تهی دست ها می برد. [۳۳].

[صفحه ۴۳]

وه چه عز و رتبه ای بهتر از این

حق سرودش انت زین العابدین

شاهد این گفته ام تقوای او

آن نماز و گریه ی شبهای او

قدسیان فخریه بر او می کنند

خاک راهش همچو گل بو می کنند

افتخار کعبه و زمزم بود

تا ابد پیوندشان محکم بود

زاده بیت و صفا و زمزم است

هر چه در اوصاف او گویم کم است

زینت رکن و مقام و مشعر است

حجت بر حق خدا را مظهر است [۳۴].

[صفحه ۴۴]

مناجات نیمه شب

طاوس یمانی گفت:

یک شب در مسجدالحرام داخل حجر اسماعیل شدم، دیدم حضرت علی بن الحسین علیه السلام وارد شد، و به نماز ایستاد و

خیلی نماز خواند، بعد به سجده رفت.

چون آقـا را درست نمی شـناختم، بـا خودم گفتم: این مرد صـالحی است از خانـدانی نیک و بزرگوار، بایـد به دعای او گوش بدهم، ببینم چه می گوید، و آن را یاد گیرم.

نزدیک رفتم گوش دادم، شنیدم در سجده می فرماید:

عبیدك بفنائک، مسکینک بفنائک، فقیرك بفنائک، سائلك بفنائک

ای خدا! بنده ی کوچکت به در خانه ی تو آمده.

[صفحه ۴۵]

ای خدا! مستمندت، مسکینت به در خانه ی تو آمده.

ای خدا! نیازمند و فقیرت به در خانه ی تو آمده.

ای خدا! سائل و فقیر و تهی دستت به در خانه ات

آمده است. [۳۵].

ای نور مبین امام سجاد

وی ماه جبین امام سجاد

از روز ازل بخون ما گشت

مهر تو عجین امام سجاد

افراشته ای لوای قرآن

بر قله ی دین امام سجاد

شد کعبه ی عشق خاک کویت

بر اهل یقین امام سجاد

چون شمع تن تو آب گردید

از آتش کین امام سجاد

در خاک بقیع جسم پاکت

گردید دفین امام سجاد [۳۶].

[صفحه ۴۶]

شیوه ی عیادت از بیمار

محمد بن اسامه، بیمار شد و در بستر مرگ افتاد، جمعی از بنی هاشم همراه امام سجاد علیه السلام به عیادت و دیدار و احوالپرسی او رفتند، و در کنار بسترش نشستند و احوالپرسی کردند.

محمد بن اسامه، به آنها گفت: شما می دانید که من در صف شما هستم، و به شما نزدیک بودم. اینک مبلغی وام، بر عهده ی من هست، دوست دارم قبل از مرگم آن را از جانب من ادا کنید.

امام سجاد فرمود: «یک سوم قرض تو به عهده ی من، که ادا می کنم» .

سپس ساکت شد و دیگران هم سکوت کردند و چیزی نگفتند.

بعد از چند لحظه سکوت، امام سجاد علیه السلام به محمد بن

[صفحه ۴۷]

اسامه فرمود: «ادای همه قرض هایت بر عهده ی من» .

سپس امام سجاد علیه السلام فرمود: «اینکه من در آغاز همه ی قرض او را به عهده نگرفتم، از این رو بود، که بنی هاشم نگویند، فلانی از ما سبقت گرفت» و گرنه در همان آغاز، همه ی دین او را به عهده می گرفتم.

به این ترتیب امام سجاد علیه السلام شیوه ی عیادت بیمار را به ما آموخت و در انجام کار نیک نیز رعایت اخلاق اسلامی نمود، و به جوانب امر توجه داشت تا کسی رنجیده خاطر نشود. [۳۷].

ای که چهارم حجت حق بر همه خلق خدایی

هم وصی چهارم ختم رسولان مصطفایی

نو گل بشکفته ی بستان

زهرای بتولی

نام نامیت علی هم نام جدت مرتضایی

جانشین و وارث و فرزند دلبند حسینی

مکه و رکن و مقام و زمزم و سعی و صفایی

انت زین العابدین در شأن تو گردید نازل

ساجدین را پیشوا و عابدین را راهنمایی

[صفحه ۴۸]

دادرس بر بی کسان و حامی دلخستگان

بی پناهان را پناهی، دردمندان را دوایی

قبله گاه مقبلان و تکیه گاه شیعیانی

کشتی دین را به بحر پر تلاطم ناخدایی

وارث علم جمیع انبیاء و مرسلینی

ای صحیفه یادگارت گنج اسرار خدایی [۳۸].

[صفحه ۴۹]

چشم به دست خدا

یک روز عید عرفه بود، حضرت سجاد علیه السلام از جایی عبور می کردند، دیدند عده ای در حال گدایی هستند و از این و آن تقاضای دستگیری و کمک می کنند.

حضرت تعجب کرد و با حالتی شگفت به آنها نگاه کرد و فرمود: وای بر شما که در مثل یک چنین روزی که روز عرفه است از غیر خدا کمک و مساعدت می خواهید و چشم هایتان به غیر دست خداست و امید به دیگران دارید. [۳۹].

محمد بن ابی حمزه می گوید: پدرم گفت:

امام سجاد علیه السلام را در یکی از شب ها در کنار کعبه دیدم که نماز می خواند، قیام نماز را طول داد،به گونه ای که دیدم

گاهی

[صفحه ۵۰]

بر پای راستش تکیه می داد و گاهی بر پای چپش تکیه می داد، سپس شنیدم گریه کنان می فرمود:

یا سیدی تعذبنی و حبک فی قلبی ...

ای آقای من! آیا مرا عذاب می کنی با اینکه حب تو در قلبم هست!!!

ای آقـا و سـرور من من چشـمم به دست عنـایت توست، آیـا می خواهی مرا به عـذابت گرفتـار کنی با اینکه محبت تو در قلبم نشسته [۴۰].

امام ساجد و عابد که از فرط سجود خود

به اهل سجده پیدا

کرد عنوان سیادت را

نه تنها در عبادت زینت عباد می باشد

که میراث از علی دارد شهامت را رشادت را

همه شب تا سحر قائم همه ایام را صائم

که خالص کرده از بهر خدای خود عبادت را [۴۱].

[صفحه ۵۱]

برخورد با دزد

یحیی بن علاء می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

یک روز پدرم امام زین العابدین علیه السلام برای انجام فریضه ی حج، از مدینه به سوی مکه رهسپار شد، در مسیر راه به بیابانی بین مکه و مدینه رسید که در آنجا دزدهای زیادی برای غارت و چپاول اموال حاجیان و اذیت و آزار سر راه کمین کرده بودند.

همین که امام علیه السلام به دزدان رسید، یکی از آن دزدها جلو آمد و راه را بر امام بست و مانع از رفتن آن حضرت شد و به تندی گفت: از مرکب بیا پائین.

امام سجاد علیه السلام با متانت و خون سردی به آن دزد فرمود: چه می خواهی؟ و به دنبال چه چیزی هستی؟

دزد گفت: می خواهم تو را بکشم و آنچه داری همه را غارت کنم.

[صفحه ۵۲]

امام فرمود: بیا و هر چه دارم با رضایت بین خود و تو تقسیم می کنم. نصف مال من و نصف مال تو، و حلالت باشد.

دزد گفت: من به این کار راضی نیستم و باید تصمیم خودم را که گفته ام به اجرا بگذارم.

امام فرمود: آنچه می خواهی بردار ولی به اندازه ی کفاف و لازم برای من بگذار.

دزد ناپاک این پیشنهاد را هم رد کرد.

امام به دزد فرمود: آیا می دانی پروردگارت کجاست؟

دزد گفت: پروردگار من الآن در خوابست.

در این هنگام دو شیر از بیابان آمدند،یکی سر دزد و دیگری دو پای او را

دریدند و دزد هلاک شد.

امام سجاد علیه السلام به او فرمود: «زعمت ان ربک عنک نائم» تو خیال کردی که پروردگارت در خواب است. [۴۲].

وارث علم امامان مبین

کوکب دری رخشنده ی دین

پیشوای همه ی اهل ادب

فخر اسلامی ایران و عرب

رهبر مکتب ارشاد بود

لقبش حضرت سجاد بود

نام نیکویش علی بن حسین

پسر فاطمه را نور دو عین

آنکه از خلق جهان سر باشد

وارث علم پیمبر باشد

صاحب جود و مقام و درجات

جاری از لعل لبش آب حیات [۴۳].

[صفحه ۵۳]

با چه خانواده ای باید ازدواج کرد؟

امام محمدباقر علیه السلام پنجمین اختر ولایت حکایت فرماید:

در یکی از مسافرت هائی که پدرش، حضرت سجاد امام زین العابدین علیه السلام به مکه معظمه داشت، زنی را از خانواده ای که سر و صدا و بضاعتی نداشت خواستگاری کرد، و بعد از آن او را برای خود تزویج نمود.

یکی از همراهان حضرت به محض اطلاع از این امر، بسیار ناراحت شد که چرا حضرت چنین زن بی بضاعتی را انتخاب نموده است، و شروع به تفحص و تحقیق کرد تا بداند که این زن کیست و از چه خانواده ای بوده است.

و چون به این نتیجه رسید که زن از خانواده ای گمنام و بی بضاعت است، فورا به محضر مبارک امام سجاد علیه السلام آمد و پس

[صفحه ۵۴]

از اظهار ارادت، عرضه داشت:

یابن رسول الله! من فدای شما گردم، این چه کاری بود که کردی؟ و چرا با چنین زن بی بضاعتی، از چنین خانواده ای ازدواج نموده ای که هیچ شهرتی و ثروتی ندارد و حتی برای مردم نیز این امر بسیار مسأله انگیز [۴۴] شده است.

امام سجاد علیه السلام فرمود: من گمان می کردم که تو شخصی خوش فکر و نیک سیرت هستی، خداوند متعال به وسیله ی دین مبین اسلام

تمام این افکار - خرافی و بی محتوا - را محکوم و باطل گردانده، و این نوع سرزنش ها و خیالات را ناپسند و زشت شمرده است.

آنچه در انتخاب همسر برای ازدواج و زندگی مهم است، ایمان و تقوا - و پاکدامنی و قناعت - می باشد و آنچه که امروز مردم به آن می اندیشند، افکار جاهلیت است و ارزشی نخواهد داشت. [۴۵].

[صفحه ۵۵]

بنابراین ملاک در شخصیت زن، ثروت، شهرت، مقام، تشکیلات، زندگی، زیبایی و ... نیست، بلکه آنچه که به انسان ارزش می بخشد و او را قابل شراکت و هم زیستی می گرداند، ایمان به خدا و شعور انسانی و معنویش می باشد. [۴۶].

ای ملجأ شیعیان امام سجاد

وی مشعل بزم جان امام سجاد

ای اسوه ی علم و حلم و زهد و تقوی

وی سرور عارفان امام سجاد [۴۷].

[صفحه ۵۶]

اجتناب از سخن چینی و غیبت

یک روز شخصی محضر مبارک امام سجاد علیه السلام وارد شد و بعد از عرض سلام گفت:

ای پسر رسول خدا! در فلان مجلس با جمعی از دوستان نشسته بودیم که شنیدیم کسی به شما ناسزا گفت و توهین کرد و در بین صحبت های ناپسندش گفت: علی بن الحسین گمراه و بدعت گذار است.

امام سجاد علیه السلام وقتی این حرف ها را از آن شخص شنید، فرمود: تو حق مجلس و همینطور حق کسانی را که با تو هم صحبت بود، رعایت نکردی، چون حرفهایی که در آن مجلس مطرح شده بود، امانت بود، چرا صحبت های گوینده را از آن مجلس به بیرون منتقل کردی و اسرار او را فاش کردی؟!

[صفحه ۵۷]

تو حق مرا هم رعایت نکردی، چون چیزی را که من از دیگران نسبت به خودم نمی دانستم، فاش کردی و

مرا از این قضیه با خبر کردی.

مگر نمی دانی که همه ی ما می میریم و بعد از آن همه ی ما را زنده می کنند و در روز قیامت محشور می شویم و باید در دادگاه عدل خدا پاسخ گوی اعمال و رفتار و گفتارمان باشیم، و آن دادگاه قاضیش خود خداست ...

بعد حضرت مقداری او را نصیحت کردند و فرمودند: از این به بعد سعی کن همیشه از حرفهایی که پشت سر دیگران زده می شود گوش ندهی و از سخن چینی و غیبت دیگران اجتناب کنی چون اگر دوری نکنی با سگان جهنم همنشین می شوی. [۴۸].

در کتاب محجه البیضاء می فرماید:

شخصی خدمت امام زین العابدین علیه السلام آمد و عرض کرد: آقاجان فلان شخص درباره ی شما بدگویی کرد.

حضرت فرمود: مرا نزدش ببر.

آمدند پیش آن شخص بدگو.

[صفحه ۵۸]

تا چشم بدگو به حضرت افتاد ترسید و رنگش را باخت.

ولی حضرت به آرامی فرمود: اگر آنچه را که درباره ی من گفته ای راست باشد، خدای متعال مرا ببخشد و بیامرزد و اگر تو دروغ گفته ای خدا تو را ببخشد و بیامرزد. [۴۹].

آسمان علم و ایمان رکن دین

حضرت سجاد زین العابدین

در جلالت در سخاوت آن امام

بود چون پیغمبر والا مقام

می توان گویم به وصف آن جناب

بوی گل را از که جویم از گلاب

چون علی دانشگه ایثار بود

امت و اسلام و دین را یار بود

در شهامت در شجاعت در کرم

بود الگو در عرب هم در عجم

مادرش بانوی سلطان زاده است

سجده گاه نور را سجاده است

در عبادت در اطاعت در ادب

از خدا سجاد شد او را لقب [۵۰].

[صفحه ۵۹]

ترساندن حیوان

حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند:

یک روز پدرم، امام سجاد علیه السلام با دوستان و اصحاب برای تفریح

و استراحت به اطراف شهر مدینه رفتند و مرا هم همراه خودشان بردند.

بعد از گردش سفره ای پهن شد و آقایان آماده ی خوردن غذا شدند، یک وقت آهویی از آن نزدیکی عبور کرد و پدرم امام زین العابدین علیه السلام خطاب به آهو کرد و فرمود:

ای آهو! من علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهماالسلام هستم و مادرم فاطمه زهرا علیهاالسلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم است، بفرمائید سر سفره و با ما هم غذا شو.

[صفحه ۶۰]

آهو جلو آمد و کنار سفره نشست و مشغول خوردن غذا شد.

یکی از افرادی که آنجا نشسته بود (به شوخی که همه بخندند) اشاره ای کرد که آهو بترسد، آهو خواست فرار کند، پدرم فرمود:

آن حیوان را نترسان چون در پناه من است و بعد رو کرد به آهو و فرمود: ای آهو نترس و تو در پناه من هستی، و کسی با تو کاری ندارد.

آهو با خیال راحت مشغول به خوردن غذا شد، که این بار یکی دیگر از افراد دستی به پشت آهو کشید و آهو پا به فرار گذاشت.

پدرم فرمود: چرا تو مرا پیش این آهو سبک و ضایع کردی و سبب شدی که آهو از ما سلب اعتماد کند. چرا او را ترسانیدی. من دیگر با تو حرف نخواهم زد چون این عمل ناشایسته ات به تو ضرر خواهد زد.

بعد از مدتی همان شخص با شترش به اطراف مدینه جهت کاری رفته بود، و شترش فرار می کند و هر چه کرد نتوانست شتر را بر گرداند و رفت. [۵۱].

[صفحه ۶۱]

آن که باشد حجت حق مقصد و مقصود جانان

راهنمائی آشکارا گشته نور حی

سبحان

دست حق در آستین آن امام ساجدین

بر همه مشکل گشا شد در زمین و آسمان

دست حاجت را زدم بر دامن زین العباد

آنکه از یمن قدومش عالم امکان نمایان

نسل طاها زاده ی شاه شهیدان عابدین

مادرش آن شهربانو زاده سلطان ایران

محور ارض و سما و منشی دربار یکتا

مونس بیچارگان و یاور درماندگان

عالمی شد ریز خوار خوان دربار علی

چون علی بن الحسین شد کان احسان

قبله گاه مؤمنین و مقتدای مسلمین

رهنمای بهر عالم رهنمود اهل ایمان

متقین را پیشوا و میر و مولا بر همه

مهر عالم تاب و محراب عبادت آن چنان [۵۲].

[صفحه ۶۲]

برخورد با غلامان در آخر ماه رمضان

امام صادق علیه السلام فرمود:

حضرت زین العابدین علیه السلام هرگاه ماه رمضان می شد، غلامان و کنیزان خود را در موارد مخالفت و سرپیچی، تأدیب نمی کرد. هر چه از آنها سر می زد، در دفتری با قید تاریخ یادداشت می نمود، تا شب آخر ماه.

در آن شب، همه را به گرد خود جمع کرده و از روی یادداشت به هر یک از آنها که سر پیچی کرده بود، می فرمود:

در فلان روز و فلان ساعت تو فلان کار را نکردی؟ و من به تو چیزی نگفتم؟

آن غلام یا کنیز اعتراف می نمود.

وقتی همه اقرار می کردند، در وسط آنها می ایستاد و می فرمود: آنچه من می گویم شما با صدای بلند بگویید:

[صفحه ۶۳]

«قولوا یا علی بن الحسین ان ربک قد احصی علیک کلما احصیت علینا و لدیه کتاب ینطق علیک بالحق لا یغادر صغیره و لا کبیره مما اتیت و عملت»

ای علی بن الحسین! پروردگارت، آنچه را که کرده ای ثبت و ضبط نموده، همان طور که تو کردار ما را ثبت کردی.

در نزد او نوشته ای است که گواهی

بر کردار گذشته ی تو، به راستی دارد.

هیچ عمل کوچک و بزرگی از تو یافت نمی شود که در آن دفتر نباشد. اینک ما را عفو فرما و ببخش و چنانچه امیدواری خدای توانا تو را ببخشد.

به یاد آور هنگامی را که در پیشگاه عدل الهی می ایستی. آن خدایی که به اندازه ی دانه ی خردلی ستم روا نمی دارد و همان مقدار کم را در روز واپسین، به حساب می آورد.

از ما در گذر، خدای از تو بگذرد، چنانچه در قرآن می گوید: «و لیعفوا و لیصفحوا الا تحبون ان یغفر الله لکم» [۵۳] عفو نمایید و چشم پوشی کنید، آیا نمی خواهید که خداوند شما را ببخشد و بیامرزد؟

تمام این سخنان را خود آن جناب به آنها تلقین می کرد و

[صفحه ۶۴]

ایشان می گفتند و حضرت در میان آنها ایستاده و گریه می کرد و اشک می ریخت و می فرمود:

پروردگارا! تو دستور داده ای تا گذشت کنیم از کسی که به ما ظلم کرده؛ همان طوری که امر کرده ای، تو نیز از ما در گذر.

خدایا تو شایسته تری به عفو و گذشت از ما بندگان. به ما گفته ای که سائل را از در خانه ی خود محروم و ناامید بر نگردانید اینک به امید بخشایش، به در خانه ات آمده ایم. از تو می خواهیم تا ما را ببخشی و کرم فرمایی.

پروردگارا! منت گذار بر بنده ی خود و ناامیدم مکن و مرا جزء کسانی قرار ده که از عطایای تو بهره مند گشته اند. آنگاه غلامان عرض می کردند: آقای ما! با اینکه هرگز بدی نکرده ای، تو را بخشیدیم.

می فرمود: بگویید: «اللهم اعف عن علی بن الحسین کما عفی عنا فاعتقه من النار

كما اعتق رقابنا من الرق» .

بار خدايا! از علی بن الحسين بگذر؛ چنانچه از ما گذشت و او را از آتش جهنم آزاد کن، همانطور که ما را از بندگی آزاد کرد.

خود آن جناب، در موقع اين دعا، با اشک جاری «آمين» می گفت.

يعنی: خدايا مستجاب گردان دعای ايشان را. آنگاه

[صفحه ۶۵]

می فرمود: برويد که شما را آزاد کردم، به اميد اين که خداوند هم مرا ببخشد.

در روز عيد فطر، همه ی آنها را مقدار زيادی که از مردم بی نياز باشند، عيدی داده و مرخص می نمود. هر سال، آخر ماه در حدود بيست نفر - کم يا بيش - را بدين ترتيب آزاد می فرمود. [۵۴].

مرا عشق و محبت در جهان آيين و دين باشد

بلی آيين و دين عشقبازان اين چنين باشد

برو ای زاهد خود بين، مزن دم از خدا بينی

که خود اهل گمان، کی آگه از حق اليقين باشد

بود عارف، کسی که از دل و جان، در مسير عشق

غلام سيد سجاد، کهف العارفين باشد

خداجويی که از فرط عبادت، خود ز معبودش

مخاطب بر خطاب انت زين العابدين باشد

شهنشاهی که يکتا هادی راه هدی باشد

فلک جاهی که والا حامی شرع مبين باشد

خديو دين، که بغضش باعث نار جحيم آمد

ولی حق، که حجتش موجب ماء معين باشد [۵۵].

از شدت عبادت

یک روز ابوجعفر امام محمـدباقر علیه السـلام محضـر پدر بزرگوارشان مشـرف می شوند و مشاهده می کنند غرق عبادت حق است و رنگش سبز شده چشمانش از گریه قرمز گشته بینیش سرخ است، قدم هایش از سجده ورم کرده و ساق پایش از قیام و قعود در نماز پینه زده است.

فرمود: پدر عزیزم شما چگونه در حال عبادت اختیار خود را

از دست می دهید.

حضرت امام سجاد علیه السلام باز به گریه می افتد و بعد از لحظه ای سکوت فرمود:

فرزند عزیزم برو بعضی از صحیفه و کتاب های عبادات جدت علی بن ابی طالب علیهماالسلام را بخوان ببین چگونه عبادت

خدا را به جا می آورده است.

صحیفه ای به من داد، خواندم. دیدم کار پدرم نسبت به عبادت جدم آسان است.

پدرم علی بن الحسین علیهماالسلام در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند و به قدری بدن نازنینش نحیف شده بود که وقتی که باد می آمد، او را حرکت می داد. و چنان لاغر و نحیف شده بود که از خود بی خود شده و از بادی به زمین می افتاد. [۵۶].

الا ای آنکه زین العابدینی

نه زین العابدین تو زین دینی

بسی اهل یقینند و تو الحق

میان متقین، حق الیقینی

به گفتار و به کردار و به رفتار

تو خود معنای آیات مبینی

گرامی نزد اهل آسمانی

سحاب رحمت حق، در زمینی

هم از ما و هم از اهل سماوات

سزاوار هزاران آفرینی

عرب را و عجم پیوند از تست

ششم معصوم، امام چهارمینی

چو مولا، سرور پرهیزگاران

به عِقد معرفت، دُر ثمینی [۵۷].

[صفحه ۶۸]

صدقات

امام زین العابدین علیه السلام صدقات بسیاری داشت که در تاریکی شب مانند جدش امیرالمؤمنین علیه السلام به در خانه ی ایتام و مساکین می برد.

صدقات سری او مشهور بود ولی کسی نمی دانست این کار حضرت علی بن الحسین علیهماالسلام است.

ابن عایشه گفت:

شنیدم مردم مدینه می گفتند: صدقات سری در مدینه ادامه داشت تا روزی که حضرت علی بن الحسین علیهماالسلام به شهادت رسید و اهل مدینه فهمیدند او بود که سراً به مردم ایتام و بی نوا کمک می کرده چون او رحلت کرد دیگر شبانه کسی

در خانه ایتام و فقرا را نزد و آب و نانی به خانه ی آنها نبرد.

اهل مدینه می گفتند: بعدها فهمیدیم که حضرت سجاد علیه السلام

[صفحه ۶۹]

به ما رسیدگی می کرده است.

هارون بن موسی می گوید: عبدالملک بن عبدالعزیز گفت: وقتی عبدالملک مروان به خلافت رسید و جریان زندگی علی بن الحسین علیهماالسلام را مطالعه کرد تمام صدقات رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم و علی بن ابی طالب علیه السلام را به او رد کرد و امام سجاد علیه السلام با این صدقات جاریه مردم فقیر و بینوای مدینه و کلیه واردین و سائلین و محتاجین را پنهانی و علنی انعام و اکرام می کرد.

حضرت علی بن الحسین علیهماالسلام در زندگی خود هزار کنیز خرید و در راه خدا آزاد کرد.

سعد بن مرجانه گفت:

به آقا امام سجاد علیه السلام گفتم: از ابا هریره شنیدم که می گفت:

پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: «من اعتق رقبه مومنه اعتق الله بکل ارب منها اربا منه من النار حتی انه یعتق بالید الید و بالرجل الرجل و بالفرج الفرج» . [۵۸].

حضرت علی بن الحسین علیهماالسلام فرمود: تو خودت شنیدی که ابوهریره چنین گفت:

سعد عرض کرد: بله آقا خودم شنیدم.

آنگاه حضرت، غلام خود را احضار کرد و فرمود: «انت حر

[صفحه ۷۰]

لوجه الله عزوجل» .

در حالی که این غلام را عبدالله ابن جعفر حاضر بود از خدمت حضرت به هزار دینار بخرد ولی حضرت نفروخت و او را آزاد کرد. [۵۹].

یافتم در خویشتن از وصل او شور شباب

پای تا سر بوسه ها کردم نثارش بی حساب

زینت زهاد زین العابدین آن کو بود

حب او معنای ایمان بغض او عین عذاب

سرور پرهیزگاران

پایمرد راه حق

در دریای عبادت گوهر بحر ثواب

صاحب علم لدنی واقف اسرار حق

کز صحیفه گنج عرفان را از او شد فتح باب

قلزم بذل و سخا و جود و بخشش آنکه هست

گنبد گردون بر بحر عطایش چون حباب

ذره ای از مهر او بر هر دلی شد جایگیر

جای دارد کسب نور از او نماید آفتاب [۶۰].

[صفحه ۷۱]

انتقام نگرفت

یکی از فرزندان حضرت امام زین العابدین علیه السلام گفت: آن وقتی که هشام بن اسماعیل فرماندار مدینه بود، با ما خیلی بدرفتاری می کرد. و پدرم علی بن الحسین علیهماالسلام آزار بسیار سختی از او کشید.

چون فرمان عزل او آمد و از کار برکنار شد، ولید بن عبدالملک که خلیفه بود، دستور داد: او را در جایی باز دارند که هرکس از مردم از او آزاری دیده برود و انتقام گیرد.

حضرت امام سجاد علیه السلام از کنار خانه مروان عبور می کرد که متوجه شدند او را بازداشت کرده اند. حضرت جلو رفت و بر او سلام کرد و به تمام نزدیکان خود سپرد که هیچکس حق تعرض بر او را ندارد.

[صفحه ۷۲]

حضرت با اخلاقشان ستمگران را ادب می کردند. یا از باب این حدیث که عزیز قومی را ذلیل ن کنند. [۶۱].

گرچه به فرش است، جای حضرت سجاد

عرش بود خاک پای حضرت سجاد

روح الامینش ثناگر است و دعاگو

هر که بگوید ثنای حضرت سجاد

چاک ز شمشیر آبدار، نکوتر

دل که ندارد ولای حضرت سجاد

خاک نه تنها، که جمله عالم و آدم

خلقت او شد برای حضرت سجاد

گر چه به زنجیر داشت پای، ولی بود

عرش برین، زیر پای حضرت سجاد

زنده شود در دمی هزار مسیحا

از نفس جانفزای حضرت سجاد

سرمه چشم ملک بود به حقیقت

خاک ره مشکسای

حضرت سجاد

جست رضای خدای را به حقیقت

هر که بجوید رضای حضرت سجاد [۶۲].

[صفحه ۷۳]

ارشاد و نشر احکام

زمان حضرت سجاد علیه السلام پر از اختناق و تقیه بود، در برابر جاسوسان بنی امیه، کسی مجال نفس کشیدن نداشت، مخصوصا پس از برگشتن آن حضرت از اسارت شام، مع الوصف،امام علیه السلام از ارشاد مردم و نشر احکام فروگذاری نکرد، بهر نحو ممکن، احکام اسلام را بیان می کرد و در ارشاد و هدایت مردم می کوشید.

شیخ مفید (ره) در ارشاد می فرماید: فقهاء عامه از وی علومی نقل کرده اند که در حساب نمی گنجد از مواعظ و دعاها و فضائل قرآن و حلال و حرام و غزوه ها و تاریخ، به حد زیادی از آن حضرت نقل شده که در میان علماء مشهور است و اگر بخواهیم آنها را شرح دهیم سخن طولانی می شود.

شیعه برای آن حضرت آیات و معجزات و براهین

[صفحه ۷۴]

آشکاری نقل کرده و آنها در کتب شیعه زیاد است.

شیخ طوسی در رجال خویش صد و پنجاه و شش نفر را که از آن بزرگوار نقل حدیث کرده اند را شمرده است، از جمله: ابان بن تغلب،ابان بن ابی عیاش، ثابت بن دینار (ابوحمزه)، جابر بن عبدالله انصاری، یحیی بن ام طویل، فرزدق، منهال بن عمرو، قاسم بن محمد بن ابی بکر و ...

و از صحابه ی رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم، جابر بن عبدالله انصاری، عامر بن وائله ی کنانی، سعید بن المسیب، سعید بن جهان الکنانی، مولی ام هانی،از رجال و راویان آن حضرت بودند.

و از تابعین: سعید بن جبیر، محمد بن جبیر، ابوخالد کابلی و ... از آن حضرت نقل حدیث کرده اند که ۲۵ نفر از آنها

را نام برد.

از جمله یاران و اصحاب آن حضرت ثقه ی جلیل القدر ثابت بن دینار ابوحمزه ی ثمالی است که دعای معروف سحر را از آن حضرت نقل می کند و آن همان دعایی است که محدث قمی در مفاتیح الجنان از مصباح شیخ نقل نموده است، کیست که آن دعا را بخواند و در مضامین آن دقت کند و اشک چشمش جاری نگردد و مقام بندگی و عبودیت را نداند.

[صفحه ۷۵]

صحیفه ی سجادیه:

از جمله آثار امام سجاد علیه السلام صحیفه ی سجادیه است که مشتمل بر پنجاه و چهار دعا از دعاهای آن حضرت می باشد.

این دعاها را امام سجاد علیه السلام املاء کرده و فرزندش امام باقر علیه السلام و نیز فرزند دیگرش زید شهید آن را نوشته است. مردم به نوشتن و ضبط و روایت و خواندن آن اعتنای عجیبی کرده اند و شرح های متعدد بر آن نوشته و با خواندن آن با خدا ارتباط پیدا کرده و به خدا تقرب جسته اند.

و آن مانند قرآن مجید از متواترات است نزد هر فرقه ی اسلامی و به آن افتخار می کنند.

چنان که گفته شد این کتاب مشتمل بر پنجاه و چهار دعاست و بندگی و عبادت را در همه ی ابعاد آن مجسم می کند، نظیر دعا در تحمید خدا، صلوات بر محمد و آل، درود بر حاملان عرش، دعا در مهمات، دعا در پناه بردن به خدا، دعا در طلب حوائج، در استشفاء، در مکارم الاخلاق، برای پدر و مادر، برای اولاد، برای نگهبانان مرزها، وقت نگاه کردن به هلال، وقت ختم قرآن، در دخول ماه رمضان، در وداع ماه رمضان، در عیدین و روز جمعه، برای عید اضحی و ...

نمی دانم

کجا دیده ام که محدث قمی (ره) گوید: من در مفاتیح الجنان از دعاهای صحیفه نقل نکردم و یا بسیار کم نقل

[صفحه ۷۶]

کردم تا مردم مستقلا به صحیفه رجوع کنند و از آن بهره برند.

به هر حال صحیفه ی سجادیه یکی از یادگارهای امام سجاد علیه السلام است که اهل عبادت و تهجد با خواندن دعاهای آن دلهای خویش را از حوض های مناجات خدا پر می کنند و بزم خویش را با یاد خدای ارحم الراحمین گرم می نمایند.

رساله ی حقوق:

رساله ی حقوق رساله ای است که امام سجاد علیه السلام به بعضی از یارانش نوشته و او را با کلمه ی «اعلم ان الله عزوجل علیک حقوقا» مخاطب فرموده است.

صدوق در خصال در باب «ابواب الخمسین و ما فوقه» آن را با سند معتبر از ابوحمزه ی ثمالی نقل کرده و می گوید: «هذه رساله علی بن الحسین علیه السلام الی بعض اخوانه اعلم ان لله ...» .

و آن بنا بر نقل تحف العقول جمعا پنجاه حق است، حق بزرگ خدا، حق نفس انسان، حق زبان، حق گوش، حق چشم، حق پاها، حق دست، حق شکم، حق فرج و حق نماز و حق حج، حق روزه، حق صدقه، حق قربانی، حق پیشوایان، حق استاد، حق رعیت، حق رهبر، حق رحم، حق پدر، حق فرزند و ...

ناگفته نماند: احکام و اخلاق و حکمتها در آن رساله در کنار هم مطرح گردیده و روشن شده اند، که لازم است در آنها

[صفحه ۷۷]

دقت شود و مورد عمل قرار گیرند. حیف که در این مختصر مجال ذکر آن حقوق و تشریع آنها نیست، امید است، خوانندگان آن را در کتاب هایی که اشاره شد مطالعه و مورد عمل قرار دهند.

[۶۳].

سجاد از برج ولایت چارمین خورشید دین

پنجمین رکن عبادت ششمین حبل المتین

زان عرب نازد که تازی دودمانست و ز ما

هم عجل گوید بود شهزاده ی ایران زمین

از حسین بن علی و شهربانو اختری

در مدینه شد عیان از صنع رب العالمین

از جلال ز جمال و از فضیلت های او

در تفکر مانده بس عقل سلیم دور بین

چونکه بود از زهد و تقوا و عبادت بی نظیر

شد ملقب در جهان سجاد و زین العابدین

مصطفی رو مرتضی خو فاطمی بو چون حسن

از حسین بن علی دارد ضیائی در جبین [۶۴].

[صفحه ۷۸]

برخورد امام سجاد علیه السلام با شتر خود

امام سجاد علیه السلام شتری داشت که ۲۲ بار با آن شتر، از مدینه به مکه سفر کرد، و در این ۲۲ بار مسافرت (که هر بار رفت و برگشت آن حدود ۱۶۰ فرسخ که جمعا ۳۵۳۲۰ فرسخ می شد) حتی یک بار، تازیانه به او نزد.

هنگامی که امام سجاد علیه السلام از دنیا رفت، آن شتر با پریشانی کنار قبر آمد و بر دو زانوی خود نشست و گردنش را بر خاک قبر می مالید و ناله می کرد.

در نقل دیگر آمده که این شتر سراسیمه از چراگاه آمد و گردن خود را روی قبر نهاد و در خاک غلتید، امام باقر علیه السلام دستور داد او را به چراگاه باز گرداندند. این است معنی محبت و انسانیت، به راستی فکر کنید کسی ۳۵۲۰ فرسخ بر شتری

سوار شود و مسافرت کند، حتی یک بار به آن شتر تازیانه نزند!!

در آن شبی که امام سجاد علیه السلام از دنیا رفت، ساعاتی قبل فرزندش امام باقر علیه السلام را فراخواند و به او فرمود: «آب وضویی بیاور» .

امام باقر علیه السلام فرمود: آب وضو حاضر کرد.

امام سجاد

علیه السلام فرمود: این را نمی خواهم، زیرا مردار در آن است.

امام باقر علیه السلام رفت و چراغ آورد، دید موش مرده ای در میان آب است، آب وضوی دیگر آورد.

در این هنگام امام سجاد علیه السلام به فرزندش امام باقر علیه السلام فرمود: «پسر جانم، امشب همان شبی است که به من وعده (رحلت از این دنیا) داده اند، سفارش می کنم که برای شترم، اصطبلی بسازید، و علوفه اش را آماده کنید ...»

امام سجاد علیه السلام از دنیا رفت و هنگامی که جنازه اش را دفن کردند، چیزی نگذشت که آن شتر، از اصطبل بیرون آمد و کنار قبر آن حضرت رفت و گردنش را روی قبر نهاد و ناله کرد و دیدگانش پر از اشک گردید.

به امام باقر علیه السلام خبر دادند که شتر از اصطبل خارج شده و

[صفحه ۸۰]

کنار قبر آمده است و ناله می کند.

این خوی پر مهر امام سجاد علیه السلام است. [۶۵].

ای ز سعی تو ملک دین آباد

پدر و مادرم فدایت باد

پی عرفان قدر و جاهت بود

کودک هستی ار ز مادر زاد

طرز راز و نیاز با حق را

تو خداجو به خلق دادی یاد

من کجا و مدیح تو زده ام

دل به دریا و هر چه باداباد

گر قبول آیدت زهی توفیق

ور نباشد قبولت این انشاد

باز شادم که از عنایت حق

لحظه ای چند، ای امام عباد

بوده ام با خیال تو سرگرم

داشتم از مدیح تو اوراد [۶۶].

پاورقی

[۱] سوره ی عنکبوت آیه ۹۶ (کسانی که به خاطر ما جهاد و کوشش می کننـد، به راههای خویش البته هدایتشان می کنیم و خداوند با نیکوکاران است).

[۲] خصال صدوق ۵۱۷۲ / ح ۴ - مجموعه زندگانی ۱۴ معصوم ۲ / ۶۸۰ و ۶۸۱.

[۳] گلهای ولایت ۱۲۸.

[۴] مجموعه زندگانی ۱۴

معصوم ۲ / ۶۸۲ - خاندانی وحی ۴۱۳.

[۵] علل الشرایع.

[۶] گلهای ولایت ۱۲۶.

[۷] «... فجعل یفکر فی خلقها حتی اصبح المؤذن و یده فی الاناء» . (ریاض الساکین سید علی خان مطابق نقل بهترین راه شناخت خدا، ۳۴۸).

[۸] قابل توجه اینکه در آسمان، یک میلیارد کهکشان (راه شیری) وجود دارد، که هر کهکشان دارای صد میلیارد ستاره است که یکی از آن ستاره ها، خورشید ما است که این خورشید، یک میلیون برابر زمین است. شرح این مطلب در کتاب «پیدایش و مرگ خورشید» بخوانید.

[۹] داستان دوستان ۴ / ۹۸.

[۱۰] مستدرک الوسائل ۶ / ۳۵۰.

[۱۱] کافی ۴ / ۱۵.

[۱۲] مجموعه زندگانی ۱۴ معصوم ۶۸۱.

[۱۳] ولایت عشق ۱۲۷.

[۱۴] بحارالانوار ۴۶ / ۵۲.

[۱۵] گلهای ولایت مصلحی ۱۶۱.

[۱۶] صفات الشیعه ۲۸.

[۱۷] گلواژ ۲ / ۱۸۷.

[۱۸] الارشاد، شیخ مفید ۲ / ۱۴۶.

[۱۹] گلهای ولایت، چهارده معصوم ۱۶۲.

[۲۰] آل عمران ۱۲۸ (مردمان با تقوا آن افرادی هستند که غیظ و غضب خود را فرو می برند و نسبت به خطای مردم عفو و بخشش می کنند و خدا نیکوکاران را دوست دارد).

[۲۱] الارشاد شیخ مفید ۲ / ۱۴۵.

[۲۲] لاله محبت، ۲۳۳.

[۲۳] حدیقه الشیعه ۵۱۱.

[۲۴] سفینه عشق، ۱۵۸.

[۲۵] اعیان الشیعه ۱ / ۶۳۴ - مجموعه ی زندگانی چهارده معصوم ۲ / ۶۸۱.

[۲۶] گلهای اشک ۱۴۰.

[۲۷] وسایل الشیعه ۱۱ / ۴۳.

[۲۸] گلهای اشک ۱۴۱.

[۲۹] اصول کافی ۱ / ۳۳۸ - ح ۸.

[۳۰] نغمه ولایت ۵۵.

[۳۱] داستان های اصول کافی ۱ / ۲۷۷.

[۳۲] شعله های سوزان ۱۰۷.

[۳۳] مستدرک ۷ / ۱۸۲.

[۳۴] لاله های محبت ۲۲۳.

[۳۵] الارشاد مترجم ۲ / ۱۴۴.

[۳۶] شعله های سوزان ۱۰۸.

[۳۷] حدیقه الشیعه ۵۱۶ - داستان دوستان ۳ / ۱۸۴ به نقل از روضه کافی ۳۳۲.

[۳۸] گلهای

نبوت.

[۳۹] بحار ۴۶ / ۶۲.

[۴۰] داستان های اصول کافی ۱ / ۲۷۴.

[۴۱] لاله ی عشق ۶۶.

[۴۲] داستان دوستان ۱ / ۶۹ از مجموعه ی ورام ۲ / ۸۱.

[۴۳] راهیان نور / ۳۰۰.

[۴۴] چون جو عمومی آن زمان بر این بود که همسر باید از خانواده ای انتخاب می شد که اهل ثروت و مقام و شهرت باشد و خانواده بی بضاعت و آرام را کسی به سراغشان نمی رفت و احتمالا حضرت سجاد علیه السلام با این حرکت، نوعی مبارزه ی فرهنگی و اجتماعی انجام داده است.

[۴۵] کتاب زهد حسین بن سعید کوفی اهوازی ص ۵۹ ح ۱۵۸.

[۴۶] چهل داستان و چهل حدیث از امام زین العابدین علیه السلام، ۹۸.

[۴۷] شعله های سوزان ۱۰۶.

[۴۸] احتجاج ۲ / ۱۴۵ ح ۱۸۳.

[۴۹] محجه البیضاء ۴ / ۲۳۲.

[۵۰] راهیان نور ۳۰۱.

[۵۱] اثباه الهداه ۳ / ۳۹.

[۵۲] ارمغان انقلاب اسلامی ۱۳۵.

[۵۳] نور۲۲.

[۵۴] الهامات جانبخش ۵۹۶ به نقل از بحار ۱۱ / ۲۲.

[۵۵] چشمه سار ولایت ۶۵.

[۵۶] مجموعه زندگانی ۱۴ معصوم، ۲ / ۴۸۴.

[۵۷] چشمه سار ولایت، ۶۶.

[۵۸] کسی که یک بنده ی مؤمنی را آزاد کند، خداوند متعال به هر عضوی از آن بنده عضوی از آن شخص را از آتش جهنم آزاد نمایـد. تا اینکه آزاد کنـد خداوند مقابل دست آن بنده دست او را و در مقابل پای او پایش را و در مقابل فرج او فرجش را.

[۵۹] مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ۶۸۵ و ۶۸۷.

[۶۰] دیوان اشتری اصفهانی ۵۴.

[۶۱] الارشاد، شیخ مفید ۲ / ۱۴۷.

[۶۲] چشمه سار ولایت، ۶۷.

[۶۳] خاندان وحی ۴۳۸ – ۴۳۲.

[۶۴] ارمغان کربلا ۳ / ۱۵۸.

[۶۵] داستان های اصول کافی ۱ / ۲۶۹ و ۲۷۰.

[۶۶] نغمه های ولایت، ۵۸.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹